

## پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای نابهنجار

فیروز راد\*

نیر رستمی\*\*

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۳

### چکیده

گرایش به رفتارهای نابهنجار از سوی دانش‌آموزان، از جمله مشکلات عمده‌ای است که زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی بعدی به شمار می‌رود. انجام چنین رفتارهایی، همچون دیگر مسائل اجتماعی تحت تأثیر عوامل متعددی رخ می‌دهد که ضعف پیوند اجتماعی (پیوند با مدرسه و خانواده) یکی از همین عوامل مهم محسوب می‌گردد. مسلماً دانش‌آموزان و نوجوانان به عنوان سرمایه‌های آتی کشور در توسعه اجتماعی و فرهنگی آن نقش مهمی دارند، بنابراین گرایش آنان به انجام رفتارهای نابهنجار، منجر به افت تحصیلی، ترک تحصیل و دور شدن‌شان از شاخص‌های توسعه انسانی می‌گردد. از این رو پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه پیوند اجتماعی و

---

\* استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران. (نویسنده مسئول). rad\_291@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه پیام نور. rostaminr@yahoo.com

گرایش به رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان شهر اهر و با استفاده از روش پیمایش انجام گرفته است. مدل تحلیلی پژوهش، بااستناد به تئوری‌های پیوند اجتماعی هیرشی و پیوند افتراقی ساترلند ترسیم گردیده است. جامعه آماری تحقیق، متشکل از تمام دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر است که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بودند. با بکارگیری پرسشنامه محقق‌ساخته، اطلاعات مورد نیاز از ۲۹۵ نفر از دانش‌آموزان که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه انتخاب شده‌اند، جمع‌آوری گردیده است.

نتایج تحلیل‌های دو متغیره نشان دهنده وجود همبستگی معکوس با شدت بالا، بین متغیر پیوند اجتماعی و مؤلفه‌های آن (وابستگی، تعهد و اعتقاد) و متغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان است. براساس تحلیل‌های چند متغیره هم، این متغیرها توانایی تبیین متغیر ملاک را دارا می‌باشند. همچنین متغیرهای تصور منفی از خود و معاشرت با همسالان ناهنجار که به عنوان متغیرهای میانی در نظر گرفته شده بودند، هم در تحلیل‌های دو متغیره و هم چند متغیره، رابطه آماری معنی‌داری را با متغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار نشان داده‌اند. طبق یافته‌ها، حدود ۴۸ درصد از تغییرات متغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان، توسط عناصر تشکیل دهنده متغیر پیوند اجتماعی و متغیرهای میانی، قابل پیش‌بینی است.

**واژه‌های کلیدی:** گرایش به رفتارهای نابهنجار، پیوند اجتماعی،

معاشرت با همسالان ناهنجار، شهر اهر

### طرح مسئله

امروزه ناهنجاری‌های اجتماعی و گرایش به رفتارهای نابهنجار در بین جوانان و نوجوانان کاملاً مشهود است و به مسئله قابل توجه در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی تبدیل شده است. توسعه اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی جامعه، متضمن داشتن نیروی

انسانی کارآمد و سالم است و دانش‌آموزان به عنوان آینده‌سازان جامعه نقش مهم و اساسی در این روند دارند. «در تمام قرون و اعصار و در همه جوامع باتوجه به پیچیدگی جوامع، به نوعی به آسیب‌های اجتماعی و بزهکاری نوجوانان توجه شده است. دلیل این توجه این است که در واقع افراد جامعه بویژه نوجوانان و جوانان سرمایه‌های اصلی یک کشور برای اداره آن به شمار می‌روند» (طالبان، ۱۳۸۰: ۴). از آنجا که نیمی از دانش‌آموزان کشور را دختران تشکیل می‌دهند، توجه به آنان به عنوان مادران فردا و تلاش در جهت هنجارپذیری آنها نه فقط برای خود آنان و خانواده‌شان، بلکه برای کل جامعه حائز اهمیت است. مطالعات نشان داده‌اند که اغلب رفتارهای انحراف‌آمیز و کج‌روی در سنین زیر ۱۸ سال رخ می‌دهد و نوجوانان بیشتر در این سنین، مستعد انجام رفتارهای پرخطر هستند (برگمن و اسکات<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). هرچند آمار دقیقی از بزهکاران زیر ۱۸ سال در کشور ما مشخص نیست، با این حال یافته‌های متعدد (عباسی اسفجیر، ۱۳۸۶) نشان داده‌اند که در جوامع مختلف آمار بزهکاری نوجوانان به ویژه در چند سال اخیر در حال افزایش است. روحیه خرابکاری و نندالیستی، درگیری لفظی و فیزیکی، ترک مدرسه بدون اطلاع معلمان و اولیاء مدرسه، تقلب در امتحان و بی‌احترامی به معلمان، نمونه‌هایی از رفتارهای دانش‌آموزان هستند که این روزها توسط ناظران و معلمان مدارس در هر محفلی بازگو می‌شود.

رفتار انحرافی ممکن است از طرف هر یک از افراد جامعه صورت گیرد، اما به نظر می‌رسد در دوران بلوغ تشدید شود، چرا که این دوره از دوره‌های بسیار حساس و مشکل‌ساز در روند زندگی افراد است (کوراکیوس، ۱۳۶۷). از طرف دیگر شخصیت آدمی در سنین کودکی و نوجوانی تحت تأثیر نهادها و عوامل اجتماعی شدن شکل می‌گیرد؛ نهادهایی که در ایجاد پیوند با جامعه و درونی کردن ارزش‌های آن در افراد مؤثرند (گیدنز، ۱۳۷۶). «هیرشی معتقد است که رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان زمانی واقع می‌شود که پیوند آنان با جامعه ضعیف و یا گسسته شود. در این میان خانواده و

جامعه دو عامل مهم در ایجاد این پیوند هستند» (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۱). «از نگاه هیرشی پیوند اجتماعی با چهار مفهوم وابستگی<sup>۱</sup>، تعهد<sup>۲</sup> درگیری<sup>۳</sup> و باور<sup>۴</sup> خلاصه می‌شود:

(۱) وابستگی: داشتن تعلق خاطر نسبت به افراد و نهادها در جامعه یکی از شیوه‌هایی است که فرد خود را از طریق آن به جامعه پیوند می‌زند. ضعف چنین تمایلات و پیوندهایی موجب می‌شود که فرد خود را در ارتکاب کج رفتاری آزاد بداند.

(۲) تعهد: افراد در هر جامعه، وقت و انرژی خود را صرف دستیابی به اهداف و کسب منزلت و حسن شهرت می‌کنند و به فعالیت‌های متداول روزمره متعهد شده، از کج رفتاری می‌پرهیزند، تا موقعیت‌هایی را که به دست آورده‌اند، حفظ نمایند.

(۳) درگیر شدن: افراد چنان خود را مشغول هم‌نوایی می‌کنند که وقتی برای ارتکاب کج رفتاری و یا حتی فکر کردن به آن برایشان باقی نمی‌ماند.

(۴) باور و اعتقاد: اعتقاد به اعتبار اخلاقی نظام هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین و مقررات نیز موجب احساس وظیفه اخلاقی نسبت به دیگران می‌شود و ضعف چنین اعتقادی راه را برای کج رفتاری هموار می‌کند» (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۵۲).

نوجوانان و جوانان قشر عظیمی از جمعیت کشور هستند که در آینده، بر پویایی و توسعه همه جانبه کشور نقش بسزایی دارند. اما گرایش به ناهنجاری‌های رفتاری و اجتماعی و در نهایت انحرافات اجتماعی، آنان را از این چرخه خارج نموده و به موجودات منفعل و منزوی تبدیل می‌کند. این که دانش آموز و نوجوانی به دلیل بزهکاری و هنجارشکنی سر از مراکز اصلاح و تربیت در بیاورد، در فرهنگ ما چندان جنبه خوشایندی ندارد. چون انگ منحرف و برچسب بزهکار در تمام مراحل زندگی‌اش، همچون ادامه تحصیل، ورود به بازار کار و ازدواج با او همراه بوده و مختل کننده و هزینه آور خواهد بود. بنابراین پیامدهای منفی اجتماعی، فرهنگی و

- 
1. Attachment
  2. Commitment
  3. Involvement
  4. Belief

اقتصادی ناهنجاری‌های اجتماعی و رفتاری دانش‌آموزان بایستی جدی گرفته شود و روی زمینه‌های بروز این نوع رفتارها بیشتر مطالعه گردد.

شهرستان اهر یکی از شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی است که به لحاظ موقعیت جغرافیایی در شمالی‌ترین نقطه این استان قرار گرفته است. طبق سرشماری ۱۳۹۰، تعداد ۹۲۶۰۸ نفر در شهر اهر ساکن هستند که ۳۵٪ از این تعداد در گروه‌های سنی کمتر از ۱۹ سال قرار گرفته‌اند. براساس سنجش میزان توسعه‌یافتگی ساختارهای اجتماعی - اقتصادی شهرهای استان آذربایجان شرقی (سرور و همکاران، ۱۳۹۱)، شهر اهر به لحاظ شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جزء شهرهای نیمه‌برخوردار یا نیمه‌پایدار استان محسوب می‌گردد. پس کمبود امکانات و تسهیلات آموزشی و شغلی متناسب با تحصیلات جوانان یکی از مشکلات اساسی و مهم در این شهر است. با توجه به شرایط موجود، دانش‌آموزان نوجوان بعد از گذراندن دوره دبیرستان، جهت ادامه تحصیل در رشته تحصیلی دلخواه خود و یافتن شغل مناسب، به ناچار مجبور به ترک محل سکونت خود و سکنی گزیدن در مکانی دیگر هستند. بنابراین، کاهش نظارت‌های غیررسمی در محیط اجتماعی غیر از محل سکونتشان و ضعف پیوند با خانواده بیش از پیش آنان را به سوی رفتارهای کج‌رو و بزهکاری‌های بعدی سوق می‌دهد. براساس مطالعه‌ای که زلفعلی فام (۱۳۸۹) در آن به "بررسی رابطه پیوند اجتماعی با کج‌روی اجتماعی در بین دانشجویان بومی و غیربومی آذربایجان شرقی" پرداخته است، دانشجویان غیربومی بدلیل ضعف پیوند با خانواده و جامعه و کاهش نظارت والدین بر رفتار آن‌ها در مقایسه با دانشجویان بومی که پیوند اجتماعی قوی دارند و نظارت روی آن‌ها بیشتر است، تمایل و گرایش بیشتری به رفتارهای کج‌رو از خودشان نشان می‌دهند. براساس آنچه که به تفصیل بیان شد، تحقیق حاضر با هدف تعیین رابطه بین میزان پیوند اجتماعی و میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر انجام گرفته است. در ادامه جهت دستیابی به هدف مورد نظر، به بررسی اهداف اختصاصی تری پرداخته می‌شود:

- شناخت میزان گرایش به رفتارهای ناهنجار و میزان پیوند اجتماعی دانش‌آموزان مورد مطالعه.
- تعیین رابطه هر کدام از مؤلفه‌های پیوند اجتماعی (وابستگی، تعهد، اعتقاد و مشارکت) با میزان گرایش به رفتارهای ناهنجار دانش‌آموزان.

### مبانی نظری

در حوزه انحرافات اجتماعی نظریه‌های متعددی وجود دارد که نظریه کنترل اجتماعی یا پیوند اجتماعی هیرشی<sup>۱</sup> را می‌توان از نظریه‌های بانفوذ در این حوزه دانست. هیرشی این نظریه را ابتدا برای توضیح دلایل جرم مطرح کرد. از نظر وی، جرم و بزه نتیجه پیوندهای ضعیف یا قطع شده با جامعه است. او بیان کرد یگانه علتی که سبب می‌شود مردم برخلاف طبیعت اخلاقی خود حرکت کنند و از قوانین جامعه پیروی کنند پیوندهایی است که با فرد یا مؤسسه‌هایی دارند که هم‌رنگی جماعت را رشد می‌دهند. وقتی که افراد در پیوندشان ضعیف باشند یا به گروه‌هایی بگرایند که هم‌رنگ نیستند، آن وقت است که طبق تمایلات غیراخلاقی ذاتی خود رفتار می‌کنند (اکر و کوکران<sup>۲</sup>، ۱۹۸۵). براساس تئوری هیرشی پیوند فرد با جامعه است که مهم‌ترین متغیر هم‌نوا بودن یا هم‌نوا نبودن فرد است. از نظر وی پیوند بین والدین و فرزندان بهترین و تقویت آن مهم‌ترین عامل در تعیین رفتار بزهکارانه است. طبق این نظریه هرچه خانواده‌ای منسجم‌تر باشد توانایی حفظ یک تصویر مثبت از خود وی افزایش خواهد یافت (لیبر و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸؛ فارل و بارنز<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳). از نگاه هیرشی کج‌رفتاری و ناهنجاری زمانی اتفاق می‌افتد که پیوند فرد با جامعه تضعیف شده یا بطور کلی از بین برود. وی این قیود

- 
1. Social Integration Theories of Hirschi
  2. Akers & Cochran
  3. Leiber & et al
  4. Farrell & Barnes

پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای ناپهناجار ... ۱۸۳

را با چهار مفهوم وابستگی، تعهد، درگیری و باور خلاصه می‌کند (احمدی، ۱۳۸۲: ۹۰؛ ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۰). «هیرشی فرضیاتی بر اساس این نظریه به شرح زیر مطرح می‌کند:

- بزهکاران به احتمال بسیار کمی تعلقات خاطر نزدیکی نسبت به والدین‌شان دارند- دانش‌آموزانی که تعلقات خاطر بالایی نسبت به مدرسه دارند، احتمال کمتری می‌رود که به رفتار بزهکارانه مبادرت ورزند.

- دانش‌آموزانی که در خانواده‌های متلاشی شده زندگی می‌کنند، گرایش بیشتری به رفتارهای بزهکارانه دارند.

- دانش‌آموزانی که به عللی مدرسه را دوست ندارند، تعلقات خاطر ضعیفی نسبت به والدینشان دارند و در نتیجه گرایش بیشتری به رفتار بزهکارانه دارند.

همچنین، رابطه بین بزهکاری جوانان و بعضی از مشکلات خانوادگی مانند مشکل هویت‌سازی با والدین و پرورش در خانواده‌هایی که یک یا چند عضو خانواده مجرم یا بزهکارند در تحقیقات هیرشی به اثبات رسیده است. تحقیقات هیرشی به این نتیجه‌گیری منتهی شده است که تغییرات و پیوندهای استوار فرزندان با خانواده، رابطه معکوس با بزهکاری جوانان دارد» (احمدی، ۱۳۸۲: ۸۹). هرچند این نظریه ابتدا برای درک ویژگی‌های نوجوانان بزهکار بکار گرفته شد (بوت و همکاران، ۲۰۰۸<sup>۱</sup>). ولی هیرشی در طول سه دهه، نظریه خود را به ارزیابی تجربی و نظری گذاشت و نهایتاً در سال ۱۹۹۰ نظریه جدیدش را با عنوان "نظریه عمومی جرم" مطرح کرد و مدعی شد که قابلیت تبیین همه نوع جرم و بزهکاری را در همه زمان‌ها و مکان‌ها دارد. در این نسخه، تئوری کنترل که آن را "تئوری خودکنترلی" نامیده است، پیوند ضعیف با مدرسه به منزله عامل علی برای رفتار انحرافی و جرم در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه نتیجه خودکنترلی پایین در نظر گرفته شده است (گات فردسون و هیرشی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰). «از نظر گات فردسون و هیرشی، تفاوت در نظارت‌های درونی بر پاسخ فرد به محرک‌های

---

1. Booth & et al  
2. Gottfredson & Hirschi

بیرونی تأثیر می‌گذارد. از جمله این عوامل "پنداشت از خود مثبت" به لحاظ احساس خودارزشمندی و پنداشت از خود، به عنوان یک دانش‌آموز موفق است که هر دوی آن‌ها رابطه معکوس با نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان نشان داده‌اند» (سخاوت، ۱۳۸۱: ۷۲). همچنین، «والتر رکلس در تئوری خود دو نوع عوامل محدود کننده با عنوان محدود کننده‌های بیرونی یا کنترل بیرونی و محدود کننده‌های درونی یا کنترل درونی را مطرح کرده است که به عقیده او دلبستگی موجب اجتناب فرد از کج‌روی خواهد شد. البته او متذکر می‌شود که تعلق و دلبستگی فرد به یک گروه بزهکار نیز احتمال بزهکاری او را افزایش می‌دهد» (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۰۶).

در رابطه با احتمال گرایش به رفتارهای نابهنجار در دانش‌آموزانی که با گروه همسالان بزهکار یا نابهنجار معاشرت دارند، می‌توان به نظریه انتقال فرهنگی یا پیوند افتراقی ساترلند اشاره نمود. «پیوند افتراقی ادوین ساترلند<sup>۱</sup> بر این نکته تأکید دارد که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با دوستان ناباب آموخته می‌شود» (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۳۱؛ منیس و ماسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). «ادوین ساترلند به یادگیری اهمیت خاصی می‌دهد و معتقد است که در جریان رشد، فرد درست رفتاری، کج‌رفتاری و انگیزه عمل به رفتار را یاد می‌گیرد. وی بیشترین سهم یادگیری را به گروه‌های نخستین و خانواده می‌دهد» (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۴۰). مطابق با این دیدگاه، میزان تمایل به کج‌رفتاری یا راست‌رفتاری بر حسب ملاک‌هایی مانند فراوانی، اولویت، دوام و شدت ارتباط یا کنش متقابل با افراد یا گروه‌های راست‌رفتار و کج‌رفتار قابل اندازه‌گیری است. خلاصه‌ای از رویکرد ساترلند به مسأله کج‌رفتاری به شرح زیر است: عمل مجرمانه آموختنی است نه موروثی.

- آموزش از طریق ارتباط فرد با سایر افراد انجام می‌گیرد.

- بخش اعظم آموزش رفتار بزهکارانه در گروه‌های نزدیک که با فرد روابط

صمیمانه دارند، انجام می‌گیرد.

- 
1. Differential Association Theories of Edvin Sutherland
  2. Mennis and Mason



پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای ناپه‌نچار ... ۱۸۵

- کسب انگیزه‌ها و میل به ابراز کشش‌های درونی آموختنی است.
- زمانی فرد به عمل بزهکارانه دست می‌زند که آمیزش او با کسانی که موافق شکستن قاعده‌اند، بیشتر از کسانی باشد که با شکستن قاعده مخالف‌اند.
- ارتباطات گوناگونی که فرد با دیگران دارد از لحاظ فراوانی، تداوم، تقدم سن و شدت یکسان نیستند.
- فرآیند کسب رفتار مجرمانه همان مکانیزمی را طی می‌کند که در یادگیری سایر رفتارهای اجتماعی مشاهده می‌شود.

- رفتار بزهکارانه نیازها و ارزش‌های کلی و عام شخص را بیان می‌کند (سلیمی و داوری: ۱۳۸۰؛ سخاوت، ۱۳۸۵).

باتوجه به چند بعدی بودن پدیده‌های اجتماعی، نمی‌توان با استناد به یکی از تئوری‌های مطرح در حوزه انحرافات اجتماعی به تبیین مسئله مورد مطالعه پرداخت. براین اساس، «تورن‌بری<sup>۱</sup> با ترکیب تئوری کنترل اجتماعی و یادگیری اجتماعی، تئوری تلفیقی را مطرح نموده است. وی در این نظریه تلاش کرده است تا توانایی جمعی آن‌ها را برای تبیین رفتارهای بزهکاری فزونی بخشد. تورن‌بری معتقد است که شروع جرم با ضعیف شدن پیوندهای اجتماعی در دوران نوجوانی مشخص می‌شود. این امر شامل دلبستگی به والدین، تعهد به مدرسه و باور به ارزش‌های قراردادی است» (سیگل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱: ۳۱۱).

براساس مدل توسعه اجتماعی که تلفیقی از تئوری‌های کنترل اجتماعی، یادگیری اجتماعی و پیوند افتراقی است، افراد معمولاً برخی از رفتارهای ضد اجتماعی و رفتارهای اجتماعی ناپسند را از عوامل اجتماعی کردن از قبیل خانواده، مدرسه و دیگر نهادهای عمومی و گروه همسالان یاد می‌گیرند (هرنکوهل و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). ایده اصلی تورن‌بری این است که تأثیرات همیشه دوطرفه هستند. پیوندهای ضعیف موجب می‌شود که بچه‌ها دوستی‌شان را به همسالان منحرف و بزهکار گسترش داده و درگیر

---

1. Torn Beri  
2. Siegel & et al  
3. Herrenkohl

بزهکاری شوند. همچنین بزهکاری موجب ضعیف شدن پیوندها گشته و بعداً پیوندهای قراردادی آن‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد. وی پنج متغیر تعاملی کلیدی و مهم را برای پیش‌بینی بزهکاری معرفی نمود: ۱) دلبستگی به والدین، ۲) دلبستگی به مدرسه، ۳) دلبستگی به نگرش‌های قراردادی، ۴) همنشینی با بزهکاران همسال و ۵) پذیرش ارزش‌ها و رفتارهای بزهکارانه. عوامل تقویت‌کننده بزهکاری، تمایل به تقویت یکدیگر و حفظ اعمال مجرمانه مزمن دارند (سیگل، ۲۰۰۱).

### پیشینه تحقیق

طی سال‌های اخیر، توجه به مسئله انحرافات اجتماعی و کج‌رفتاری، بویژه در مورد دانش‌آموزان بیشتر مورد توجه صاحب‌نظران امر قرار گرفته است. بررسی مطالعات متعدد در زمینه موضوع مورد مطالعه نشان دهنده آن است که بروز رفتارهای ناهنجار در بین نوجوانان و جوانان از عوامل متعدد نشأت می‌گیرد و از نظر روش، محتوا، شکل و دامنه چنان گسترده است که بدون اتکاء به رویکردهای ترکیبی و مطالعات مختلف نمی‌توان آن را تبیین نمود. اهم جدیدترین تحقیقات داخلی و خارجی انجام گرفته در زمینه علل ناهنجاری‌های رفتاری در بین دانش‌آموزان در جدول شماره ۱ آورده شده است:

مرور تحقیقات انجام گرفته در حوزه مورد مطالعه، نشان دهنده آن است که بطور کلی به ابعاد متعدد علل مرتبط با ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان پرداخته شده است. تمام مطالعات از چارچوب نظری و تجربی غنی برخوردار بوده و تحلیل‌های آماری معتبری روی داده‌هایشان انجام گرفته است. ولی مواردی که در مطالعات پیشین، چه داخلی و چه خارجی قابل توجه است، عدم بکارگیری یک مدل تحلیلی جامع و کارآمد برگرفته از چارچوب نظری است. مورد بعدی که می‌توان به آن اشاره کرد، در نظر نگرفتن متغیرهای وابسته میانی است که به نوعی واسط بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک هستند. معمولاً در تحقیقات اجتماعی، بررسی رابطه‌های غیرمستقیم مهم‌تر از رابطه‌های مستقیم است. این کار

پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای ناپهنجار ... ۱۸۷

به محقق کمک می‌کند تا مسیرهای تأثیرگذاری متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک را شناسایی کرده و راهکارهای پژوهشی و اجرایی جدیدی ارائه دهد.



جدول ۱- مطالعات انجام گرفته داخلی و خارجی مرتبط با موضوع مورد مطالعه

محقق	سال	عنوان	یافته‌ها
علی‌وردی نیا و آرمان مهر	۱۳۸۱	فعالیت‌های ورزشی و بزهکاری با آزمون تجربی نظریه پیوند اجتماعی هیرشی	نتایج بدست آمده حاکی از آن است که متغیرهای دلبستگی، باور و عزت نفس رابطه معکوس و معناداری با بزهکاری دارند. همچنین با افزایش میزان مشغولیت ورزشی، بزهکاری افزایش و با کاهش آن، بزهکاری کاهش یافته است.
بگ و همکاران <sup>۱</sup>	۱۹۹۱	تبیین رابطه ورزش و بزهکاری	نتایج نشان می‌دهد که کلیه مؤلفه‌های پیوند با مدرسه با میزان بزهکاری و رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان در مدرسه ارتباط دارد. همچنین زمینه‌های فردی-اجتماعی و میزان تحصیلات خانواده، توانایی دانش‌آموزان را در پیوند با مدرسه افزایش می‌دهد. متغیرهای پیوستگی و دلبستگی با خانواده و جامعه، مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های اجتماعی و گروهی، دوستی با همسالان نابهنجار و نظارت مدرسه، پیش‌بینی کننده اصلی ناهنجاری‌های رفتاری و بزهکاری در تحقیقات مذکور شناخته شده‌اند.
مهدوی و عباسی	۱۳۸۷	بررسی رابطه بین پیوندهای اجتماعی- خانوادگی و میزان بزهکاری نوجوانان	نتایج نشان می‌دهد که کلیه مؤلفه‌های پیوند با مدرسه با میزان بزهکاری و رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان در مدرسه ارتباط دارد. همچنین زمینه‌های فردی-اجتماعی و میزان تحصیلات خانواده، توانایی دانش‌آموزان را در پیوند با مدرسه افزایش می‌دهد. متغیرهای پیوستگی و دلبستگی با خانواده و جامعه، مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های اجتماعی و گروهی، دوستی با همسالان نابهنجار و نظارت مدرسه، پیش‌بینی کننده اصلی ناهنجاری‌های رفتاری و بزهکاری در تحقیقات مذکور شناخته شده‌اند.
زلفلی فام	۱۳۸۹	بررسی رابطه پیوند اجتماعی با کج روی اجتماعی در بین دانشجویان بومی و غیربومی	نتایج نشان می‌دهد که کلیه مؤلفه‌های پیوند با مدرسه با میزان بزهکاری و رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان در مدرسه ارتباط دارد. همچنین زمینه‌های فردی-اجتماعی و میزان تحصیلات خانواده، توانایی دانش‌آموزان را در پیوند با مدرسه افزایش می‌دهد. متغیرهای پیوستگی و دلبستگی با خانواده و جامعه، مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های اجتماعی و گروهی، دوستی با همسالان نابهنجار و نظارت مدرسه، پیش‌بینی کننده اصلی ناهنجاری‌های رفتاری و بزهکاری در تحقیقات مذکور شناخته شده‌اند.
پوپ و پگورو <sup>۲</sup>	۲۰۱۲	پیوندهای اجتماعی و ارتکاب جرم در مدرسه با آزمون تجربی تئوری پیوند اجتماعی هیرشی	نتایج نشان می‌دهد که کلیه مؤلفه‌های پیوند با مدرسه با میزان بزهکاری و رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان در مدرسه ارتباط دارد. همچنین زمینه‌های فردی-اجتماعی و میزان تحصیلات خانواده، توانایی دانش‌آموزان را در پیوند با مدرسه افزایش می‌دهد. متغیرهای پیوستگی و دلبستگی با خانواده و جامعه، مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های اجتماعی و گروهی، دوستی با همسالان نابهنجار و نظارت مدرسه، پیش‌بینی کننده اصلی ناهنجاری‌های رفتاری و بزهکاری در تحقیقات مذکور شناخته شده‌اند.
جنکینز <sup>۳</sup>	۱۹۹۷	بررسی رابطه پیوند با مدرسه و تخلفات درون مدرسه‌ای	نتایج نشان می‌دهد که کلیه مؤلفه‌های پیوند با مدرسه با میزان بزهکاری و رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان در مدرسه ارتباط دارد. همچنین زمینه‌های فردی-اجتماعی و میزان تحصیلات خانواده، توانایی دانش‌آموزان را در پیوند با مدرسه افزایش می‌دهد. متغیرهای پیوستگی و دلبستگی با خانواده و جامعه، مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های اجتماعی و گروهی، دوستی با همسالان نابهنجار و نظارت مدرسه، پیش‌بینی کننده اصلی ناهنجاری‌های رفتاری و بزهکاری در تحقیقات مذکور شناخته شده‌اند.
رایت و فتیز پاتریک <sup>۴</sup>	۲۰۰۶	سرمایه اجتماعی و رفتارهای خشونت‌آمیز نوجوانان	نتایج نشان می‌دهد که کلیه مؤلفه‌های پیوند با مدرسه با میزان بزهکاری و رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان در مدرسه ارتباط دارد. همچنین زمینه‌های فردی-اجتماعی و میزان تحصیلات خانواده، توانایی دانش‌آموزان را در پیوند با مدرسه افزایش می‌دهد. متغیرهای پیوستگی و دلبستگی با خانواده و جامعه، مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های اجتماعی و گروهی، دوستی با همسالان نابهنجار و نظارت مدرسه، پیش‌بینی کننده اصلی ناهنجاری‌های رفتاری و بزهکاری در تحقیقات مذکور شناخته شده‌اند.
نوابخش و واحدی	۱۳۸۱	بررسی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان شهر تهران	نتایج نشان می‌دهد که کلیه مؤلفه‌های پیوند با مدرسه با میزان بزهکاری و رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان در مدرسه ارتباط دارد. همچنین زمینه‌های فردی-اجتماعی و میزان تحصیلات خانواده، توانایی دانش‌آموزان را در پیوند با مدرسه افزایش می‌دهد. متغیرهای پیوستگی و دلبستگی با خانواده و جامعه، مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های اجتماعی و گروهی، دوستی با همسالان نابهنجار و نظارت مدرسه، پیش‌بینی کننده اصلی ناهنجاری‌های رفتاری و بزهکاری در تحقیقات مذکور شناخته شده‌اند.
سلمی و کیویوری <sup>۵</sup>	۲۰۰۶	همبستگی بین سرمایه اجتماعی و جرم جوانان	نتایج نشان می‌دهد که کلیه مؤلفه‌های پیوند با مدرسه با میزان بزهکاری و رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان در مدرسه ارتباط دارد. همچنین زمینه‌های فردی-اجتماعی و میزان تحصیلات خانواده، توانایی دانش‌آموزان را در پیوند با مدرسه افزایش می‌دهد. متغیرهای پیوستگی و دلبستگی با خانواده و جامعه، مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های اجتماعی و گروهی، دوستی با همسالان نابهنجار و نظارت مدرسه، پیش‌بینی کننده اصلی ناهنجاری‌های رفتاری و بزهکاری در تحقیقات مذکور شناخته شده‌اند.

1. Brgg & et al
2. Popp & Peguero
3. Jenkins
4. Wright & Fitzpatrick
5. Salmia & kivivuori

پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای نابهنجار ... ۱۸۹

داشتهن روابط مطلوب در محیط خانواده و مدرسه، پنداشت دانش آموزان از خود، پنداشت از درآمد خانواده، شغل پدر، پنداشت از نظم مدرسه، توفیق در کار مدرسه و جنسیت به عنوان عوامل تأثیرگذار در ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان در مدرسه و برخی متغیرها مانند توفیق تحصیلی، جنسیت و پیوند با مادر در ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان در بیرون از مدرسه اهمیت بیشتری دارند.	عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان استان لرستان	۱۳۸۱	سخاوت
براساس یافته‌های این تحقیقات، سه عامل وابستگی نوجوانان به خانواده، باورها و نگرش به ارتباط با بزهکاران بر شدت بزهکاری اثر داشته و می‌توانند آن را تبیین کنند. براین اساس، هر قدر وابستگی نوجوانان قوی‌تر باشد، از شدت عمل بزهکارانه آن‌ها کاسته می‌شود. همچنین باورهای مذهبی بازدارنده بزهکاری‌اند و نگرش‌های منفی نسبت به قانون، مجریان قانون و هنجارهای اجتماعی باعث تقویت بزهکاری می‌شوند.	سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان: آزمون تجربی نظریه ترکیبی کنترل اجتماعی و پیوند افتراقی	۱۳۸۱	مشکاتی و مشکاتی
رابطه متغیرهای جنسیت، وضعیت تحصیلی دانش آموزان میزان درآمد خانواده، تعداد دانش آموزان کلاس، تعلق به مدرسه، تعهد و تعلق به خانواده، مشارکت دانش آموزان در فعالیت های اجتماعی و گروهی، دوستی با همسالان نابهنجار و نظارت مدرسه با ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان معنی دار بوده و این متغیرها توانایی تبیین ۴۷ درصد از تغییرات متغیر ملاک را دارا هستند.	عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان در شهر رشت	۱۳۸۱	جلایی پور و حسینی نثار
بررسی عوامل خانوادگی و درون مدرسه‌ای مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری در میان دانش آموزان شهر مراغه	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان خدابنده	۱۳۸۱	آقازاده
یافته‌های تحقیق نشان دهنده آن است که	بررسی عوامل مؤثر بر بزهکاری و	۱۳۸۱	فتح‌اللهی و

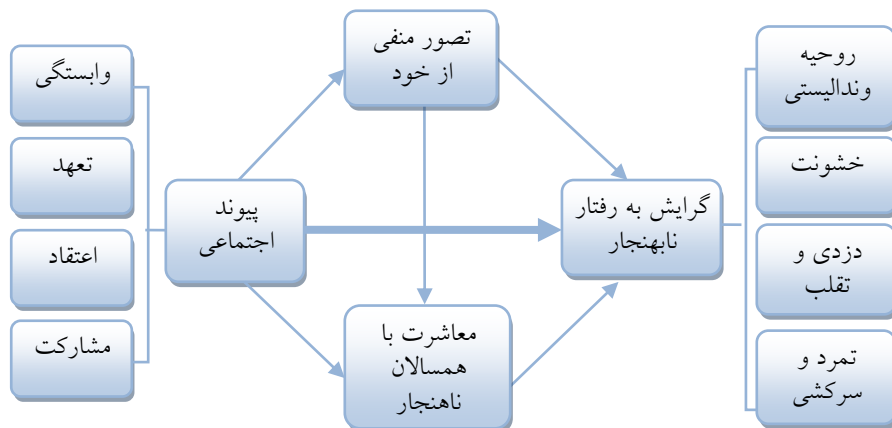
میزان دینداری، میزان نظارت والدین بر فرزندان، تعهدهای خانوادگی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و تعهدهای آموزشگاهی با رفتار بزهکارانه جوانان رابطه‌ای معنادار و معکوس دارند. از طرف دیگر هرچه پیوند فرد با مدرسه کمتر باشد، گرایش او به دوستان و همسالان منحرف افزایش خواهد یافت. همچنین یافته‌ها بیانگر وجود رابطه مثبت و معناداری بین معاشرت با دوستان بزهکار و رفتار بزهکارانه نوجوانان است.	میزان شیوع آن در بین دانش‌آموزان		همکاران
اجتماعی - اقتصادی و تعهدهای آموزشگاهی با رفتار بزهکارانه جوانان رابطه‌ای معنادار و معکوس دارند. از طرف دیگر هرچه پیوند فرد با مدرسه کمتر باشد، گرایش او به دوستان و همسالان منحرف افزایش خواهد یافت. همچنین یافته‌ها بیانگر وجود رابطه مثبت و معناداری بین معاشرت با دوستان بزهکار و رفتار بزهکارانه نوجوانان است.	بررسی عوامل آموزشگاهی و تأثیر آن بر کج‌رفتاری	۱۳۹۱	معدفر و اسفندآبادی
میزان دینداری، میزان نظارت والدین بر فرزندان، تعهدهای خانوادگی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و تعهدهای آموزشگاهی با رفتار بزهکارانه جوانان رابطه‌ای معنادار و معکوس دارند. از طرف دیگر هرچه پیوند فرد با مدرسه کمتر باشد، گرایش او به دوستان و همسالان منحرف افزایش خواهد یافت. همچنین یافته‌ها بیانگر وجود رابطه مثبت و معناداری بین معاشرت با دوستان بزهکار و رفتار بزهکارانه نوجوانان است.	عوامل اجتماعی و کج‌روی در مدرسه: مطالعه نوجوانان پسر ماکائوی چین	۲۰۱۳	هنگ و وینگ <sup>۱</sup>
بین متغیرهای معدل، پایگاه اجتماعی، عملکرد خانواده و جامعه، دسترسی به منابع و امکانات با ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. این متغیرها روی هم رفته ۵۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان (مطالعه موردی شهرستان آران و بیدگل)	۱۳۹۲	شاطریان و همکاران

### چارچوب نظری

رویکرد نظری تحقیق حاضر، تلفیقی از تئوری‌های پیوند اجتماعی هیرشی، پیوند افتراقی ساترلند و تئوری تعاملی تورن بری است. تئوری پیوند اجتماعی هیرشی بر این پیش‌فرض استوار است که ضعف پیوند اجتماعی منجر به گرایش به رفتارهای نابهنجار و بزهکاری می‌گردد. از این رو اگر افراد بتوانند از طریق افزایش میزان تعلقات، وابستگی، باور و میزان مشغولیت در فعالیت‌های اجتماعی، پیوند اجتماعی خود را تقویت کنند به همان اندازه از احتمال ابتلا به انحراف اجتماعی مصون هستند. از طرف دیگر تنها عامل پیوند اجتماعی را در جلوگیری از رفتارهای نابهنجار کافی نمی‌داند و

1. Heng & Wing

مدعی است که خودکنترلی افراد ارتباط تنگاتنگی با گرایش به جرم و انحراف در آنان دارد. بنابراین خودکنترلی و کنترل درونی به عنوان رابط بین پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای نابهنجار در دانش‌آموزان بیشتر مورد توجه وی بوده است. چون ضعف پیوند دانش‌آموزان با خانواده، معلمان و کارکنان مدرسه با خودکنترلی آنان، هویت‌یابی و خودپنداره منفی دانش‌آموزان ارتباط دارد و آن‌ها جهت جبران این نوع تصورات منفی از خود همیشه بدنبال کسانی هستند که بیشترین تأیید را از آن‌ها بگیرند. ساترلند معتقد است که انجام رفتارهای نابهنجار آموختنی است، نه ارثی. پس، داشتن همسالان و دوستان ناهنجار و معاشرت با آنان که به هر دلیل رفتارهای نابهنجاری انجام می‌دهند با میزان یادگیری دانش‌آموزان دیگر در ارتباط است. همچنین بر اساس دیدگاه تعاملی تورنبری که ترکیبی از تئوری هیرشی و ساترلند است، از یک سو متغیرهای پیوند اجتماعی شامل وابستگی به والدین، تعهد و تعلق به مدرسه و پایبندی به ارزش‌های قراردادی، تعیین‌کننده رفتارهای نابهنجار افراد هستند و از طرف دیگر همبستگی با دوستان بزهکار و شکل‌گیری ارزش‌های بزهکارانه بر انجام کج‌روی و بزهکاری صحنه می‌گذارد. چون با ضعف پیوند با خانواده و مدرسه، معمولاً نوجوانان و دانش‌آموزان بدنبال کسانی می‌گردند که علایق مشترکی داشته باشند و بتوانند همدیگر را درک کنند. براین اساس در ضعف ارتباط با والدین، گروه دوستان و همسالان این خلأ را پر می‌کنند. مطابق آنچه گذشت، مدل تحلیلی تحقیق به شکل ذیل ترسیم می‌گردد:



نمودار ۱- مدل تحلیلی تحقیق

### فرضیه‌های تحقیق

- بین میزان پیوند اجتماعی (وابستگی، تعهد، اعتقاد و مشارکت) و میزان گرایش به رفتارهای ناهنجار دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- بین میزان معاشرت با همسالان ناهنجار و میزان گرایش به رفتارهای ناهنجار دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- بین میزان تصور منفی از خود دانش‌آموزان و میزان گرایش به رفتارهای ناهنجار آنان رابطه وجود دارد.
- بین میزان پیوند اجتماعی و میزان تصور منفی از خود دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- بین میزان پیوند اجتماعی و میزان معاشرت با همسالان ناهنجار رابطه وجود دارد.
- بین میزان تصور منفی از خود دانش‌آموزان و میزان معاشرت با همسالان ناهنجار رابطه وجود دارد.



## روش تحقیق

در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع، از روش تحقیق پیمایش مقطعی از نوع همبستگی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، متشکل از تمام دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه، اعم از مدارس دولتی و غیردولتی واقع در شاخه‌های تحصیلی نظری (دبیرستان) و هنر (هنرستان) شهر اهر است که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ مشغول به تحصیل بوده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۲۸۵ نفر برآورد شده است و جهت انتخاب پاسخگویان، از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده متناسب با حجم استفاده شده است. واحد تحلیل فرد است و اطلاعات مورد نیاز از دانش‌آموزان مورد مطالعه، با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری شده است. اطلاعات پرسشنامه‌ای مشتمل بر اطلاعات دموگرافیک دانش‌آموزان، خصوصیات اجتماعی آن‌ها و سؤالات مربوط به گرایش به رفتارهای نابهنجار می‌باشد. با در نظر گرفتن احتمال ریزش نمونه، پرسشنامه‌ها در بین ۳۰۰ دانش‌آموز توزیع شده و با حذف پرسشنامه‌های ناقص، تجزیه و تحلیل نهایی روی ۲۹۵ نفر انجام گرفته است.

## تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

### متغیر وابسته

گرایش به رفتارهای نابهنجار: به نظر فیش باین و آیزن رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل بوجود می‌آید. حلقه ماقبل بروز رفتار "قصد و نیت" به انجام یک رفتار است. بوجود آمدن قصد و نیت به نوبه خود تابع متغیرهای گرایش به آن سوی رفتار و هنجار ذهنی است (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۹). این مفهوم با چهار شاخص (روحیه وندالیستی، درگیری و خشونت، دزدی و تقلب، تمرد و سرکشی) و ۱۹ گویه عملیاتی شده است. گویه‌ها که در قالب طیف لیکرت تنظیم یافته‌اند، عبارت‌اند از: تخریب اموال مدرسه،

نقاشی کشیدن و مطلب نوشتن بر در و دیوار مدرسه، درگیری فیزیکی و لفظی با دانش‌آموزان، آزار و اذیت همکلاسی‌ها، رودرروی والدین ایستادن، تقلب در امتحان، برداشتن وسایل دوستان دیگران، برداشتن پول از جیب پدر و مادر بدون اطلاع آنان، خارج شدن از مدرسه بدون اطلاع اولیاء مدرسه، ترک منزل بدون اطلاع والدین، بی‌احترامی به معلمان و کارکنان مدرسه، فرستادن پیامک‌های غیراخلاقی به دوستان و تماشای فیلم‌های مبتذل، آرایش کردن موقع بیرون رفتن از منزل، نادیده گرفتن قوانین مدرسه و تأخیر در ورود به مدرسه.

### متغیرهای مستقل

**پیوند اجتماعی:** از دید هیرشی پیوند اجتماعی به همبستگی افراد با هنجارهای اجتماعی گفته می‌شود که از طریق ترکیب چهار مؤلفه وابستگی، تعهد، اعتقاد و مشارکت بوجود می‌آید (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۶). برای سنجش این مفهوم از گویه‌هایی (۳۳ گویه) با مقیاس شش درجه‌ای لیکرت استفاده شده است. مؤلفه‌ها و گویه‌ها عبارت‌اند از: **وابستگی** (مراجعه به والدین در زمان نیاز، اهمیت قائل شدن به نظرات والدین، درودل کردن با معلمان و راهنمایی گرفتن از آن‌ها، قابل احترام بودن در بین همکلاسی‌ها، احساس امنیت در مدرسه و کلاس)، **تعهد** (قبول مسئولیت اشتباهات خود، کمک به برطرف نمودن مشکلات خانوادگی، رعایت حقوق اعضای خانواده، انجام به موقع تکالیف در مدرسه و سخت‌کوشی)، **اعتقاد** (اهمیت دادن به ارزش‌های خانوادگی، غیرعادلانه دانستن قوانین مدرسه، عدم اعتماد به مشاوران مدرسه، احترام گذاشتن به عقاید و افکار معلمان) و **مشارکت** (عضویت در تیم ورزشی مدرسه، فعالیت در گروه‌های علمی، تحقیقی و هنری مدرسه و شرکت در مراسم و میهمانی‌های خانوادگی).

**تصور منفی از خود:** طبق تعریف موریس روزنبرگ خودپنداره، تصور از خود، یا پنداشت از خود احترامی است که فرد برای خود قائل است که بصورت قبول خود،

پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای نابهنجار ... ۱۹۵

احترام به خود و احساس خود ارزشمندی توصیف می‌شود (جانگ و ثرن، ۱۹۹۸). برای سنجش این متغیر از گویه‌های؛ عدم امیدواری به آینده تحصیلی و تمایل به ترک تحصیل، احساس بی‌کفایتی و اهمیت نداشتن از نظر خانواده و دوستان و همکلاسی‌ها و تحت فشار قرار گرفتن از طرف خانواده، در قالب طیف شش درجه‌ای لیکرت استفاده شده است که دانش‌آموزان با انتخاب یکی از گزینه‌های "کاملاً موافق تا کاملاً مخالف" میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از گویه‌ها اعلام می‌دارند.

**معاشرت با همسالان نابهنجار:** گروه همسالان گروهی است که اعضای آن عمدتاً سن مشابه داشته و اغلب از یک جنس می‌باشند و با یکدیگر یک جرگه تشکیل داده و فرد با عضویت در آن تحت کنش متقابل با دیگر اعضای گروه قرار می‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۲: ۱۳۹). به منظور سنجش این متغیر از گویه‌هایی استفاده شده است که نشان دهنده داشتن دوستان نابهنجار در مدرسه است. داشتن دوستان متقلب و بی‌انضباط، غیبت از مدرسه بدون اطلاع خانواده و مدرسه، و اخطارگرفتن برخی از دوستان از مدرسه، گویه‌هایی هستند که در قالب طیف لیکرت و با گزینه‌های "کاملاً موافق تا کاملاً مخالف" تنظیم یافته‌اند.

### اعتبار<sup>۲</sup> و پایایی<sup>۳</sup> پرسشنامه

اعتبار گزاره‌ها و ابزارهای سنجش در پژوهش حاضر اعتبار صوری است. همبستگی درونی گویه‌ها نیز از طریق آلفای کرونباخ برآورد شده است. مقادیر آلفای کرونباخ هر کدام از متغیرها، به تفکیک مؤلفه‌ها و شاخص‌های تشکیل دهنده آن‌ها در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

- 
1. Jang & Therence
  2. Validity
  2. Reliability

جدول ۲- ضرایب پایایی متغیرهای تحقیق

پایایی	متغیرها	
۰/۸۶۶	کل	
۰/۸۳۴	وابستگی	مؤلفه‌ها
۰/۷۰۱	تعهد	
۰/۷۱۳	باور	
۰/۶۳۸	مشارکت	
۰/۸۳۶	کل	
۰/۶۴۰	روحیه وندالیستی	شاخص‌ها
۰/۶۸۴	خشونت و درگیری	
۰/۶۵۰	دزدی و تقلب	
۰/۷۱۴	تمرد و سرکشی	
۰/۷۳۴	تصور منفی از خود	
۰/۶۵۵	معاشرت با همسالان ناهنجار	

باتوجه به مقادیر آلفای هر کدام از متغیرها که بالاتر از ۰/۶ برآورد شده است، می‌توان پایایی پرسشنامه را مطلوب ارزیابی نمود.

### یافته‌های تحقیق

#### الف) یافته‌های توصیفی

طبق نتایج بدست آمده، دانش‌آموزان مورد مطالعه در محدوده سنی ۱۹-۱۴ سال قرار گرفته‌اند و در دو شاخه تحصیلی نظری (۸۵٪) و هنر (۱۵٪) مشغول به تحصیل هستند.

پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای نابهنجار ... ۱۹۷

پایه تحصیلی پاسخگویان از پایه اول تا چهارم را در بر می‌گیرد. به لحاظ رشته تحصیلی، پاسخگویان به ترتیب بیشترین فراوانی در رشته علوم تجربی با ۳۵٪، رشته عمومی نظری (پایه اول) با ۳۴٪، علوم انسانی با ۹/۵٪، تصویرسازی کامپیوتر و امور اداری با ۸/۵٪، کامپیوتر با ۷/۲٪ و ریاضی - فیزیک با ۵/۸٪ قرار گرفته‌اند. در مورد وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان هم باید گفت که بیشتر آن‌ها از عملکرد تحصیلی خوبی برخوردارند.

طبق اطلاعات مندرج در جدول شماره ۳، میانگین میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار در دانش‌آموزان مورد مطالعه ۳۴/۸۰ برآورد شده است. این امر نشان دهنده آن است که میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار در بین دانش‌آموزان، متوسط رو به پایین است. از طرف دیگر، میانگین میزان پیوند اجتماعی در بین دانش‌آموزان ۱۴۷ محاسبه شده است که باتوجه به کمترین و بیشترین نمره بدست آمده می‌توان گفت که میزان پیوند اجتماعی پاسخگویان بالا بوده و بیشتر آن‌ها در طبقه متوسط و بالاتر قرار گرفته‌اند. نمرات بدست آمده برای مؤلفه‌های پیوند اجتماعی نشان دهنده آن است که میزان تعهد و وابستگی اجتماعی دانش‌آموزان در مقایسه با میزان اعتقاد و مشارکت اجتماعی آن‌ها بیشتر است. همچنین میانگین میزان تصور منفی از خود و میزان معاشرت همسالان نابهنجار در دانش‌آموزان مورد مطالعه به ترتیب برابر ۲۴ و ۱۵/۵۸ بدست آمده است. مطابق با تقسیم‌بندی انجام گرفته روی متغیرهای میانی در سه سطح کمتر، متوسط و بیشتر (جدول شماره ۴)، نزدیک به ۵۰٪ دانش‌آموزان مورد مطالعه در طبقه متوسط قرار گرفته‌اند.

جدول ۳- آمارهای توصیفی مربوط به متغیرهای اصلی تحقیق (سطح فاصله‌ای)

متغیرها	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	واریانس
گرایش به رفتارهای ناپهنجار	۱۹	۹۵	۳۴/۸۰	۱۳/۰۵	۱۷۰/۳۹
پیوند اجتماعی	۷۷	۱۸۷	۱۴۷/۰۱	۲۰/۹۳	۴۳۵/۴۵
توجهات اجتماعی	۳۲	۱۰۰	۷۷/۴۶	۱۲/۷۲	۱۶۱/۸۳
	۱۶	۳۶	۳۱/۴۸	۳/۷۹	۱۴/۳۶
	۱۰	۳۶	۲۴/۲۷	۵/۲۳	۲۶
	۴	۲۴	۱۳/۷۹	۵/۰۰۷	۲۵/۰۷
تصور منفی از خود	۷	۳۹	۲۴	۷/۳۸	۱۹/۲۴
معاشرت با همسالان ناهنجار	۵	۳۰	۱۵/۵۸	۵/۶۳	۳۱/۷۹

جدول ۴- آمارهای توصیفی مربوط به متغیرهای اصلی تحقیق (سطح ترتیبی)

متغیرها	کمتر			متوسط			بیشتر		
	نمره	تعداد	درصد	نمره	تعداد	درصد	نمره	تعداد	درصد
گرایش به رفتارهای ناپهنجار	۱۹-۴۳	۲۳۱	۷۸/۳	۴۴-۶۸	۵۴	۱۸/۳	۶۹-۹۵	۱۰	۳/۴
پیوند اجتماعی	۷۷-۱۱۳	۱۸	۶/۱	۱۱۴-۱۵۰	۱۴۰	۴۷/۵	۱۵۱-۱۸۷	۱۳۷	۴۶/۴
توجهات اجتماعی	۳۲-۵۵	۱۹	۶/۴	۵۶-۷۸	۱۳۱	۴۴/۴	۷۹-۱۰۰	۱۴۵	۴۹/۲
	۱۶-۲۴	۱۸	۶/۱	۲۵-۳۱	۱۱۰	۳۷/۳	۳۲-۳۶	۱۶۷	۵۶/۶
	۱۰-۱۸	۴۴	۱۵/۰	۱۹-۲۷	۱۷۰	۵۷/۵	۲۸-۳۶	۸۱	۲۷/۵
	۴-۱۰	۸۳	۲۸/۱	۱۱-۱۷	۱۴۰	۴۷/۵	۱۸-۲۴	۷۲	۲۴/۴
تصور منفی از خود	۷-۱۶	۱۱۵	۳۹/۰	۱۷-۲۷	۱۳۵	۴۵/۷	۲۸-۳۹	۴۵	۱۵/۳
معاشرت با همسالان ناهنجار	۵-۱۳	۱۰۰	۳۳/۹	۱۴-۲۱	۱۴۵	۴۹/۲	۲۲-۳۰	۵۰	۱۶/۹

### ب) یافته‌های استنباطی

**همبستگی پیرسون:** جهت بررسی روابط دوگانه ترسیم شده در مدل تحلیلی از آزمون پیرسون استفاده شده است. باتوجه به ضریب همبستگی پیرسون و سطح معنی‌داری مشاهده شده در جدول شماره ۵، همبستگی معکوس و بالایی بین میزان پیوند اجتماعی و میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان وجود دارد. بنابراین با احتمال ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت با افزایش میزان پیوند اجتماعی از میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان کاسته شده و با کاهش میزان پیوند اجتماعی بر میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار آن‌ها افزوده می‌شود. همچنین رابطه بین مؤلفه‌های پیوند اجتماعی (غیر از مشارکت) با متغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار معنی‌دار است. براین اساس، ضعف وابستگی، تعهد و اعتقاد در دانش‌آموزان، زمینه مناسبی را برای روی آوردن آن‌ها به انجام رفتارهای نابهنجار و کج‌رفتاری فراهم می‌کند. رابطه بین متغیر پیوند اجتماعی (کل و مؤلفه‌های آن) با متغیرهای تصور منفی از خود و معاشرت با همسالان نابهنجار، نشان دهنده وجود رابطه منفی معنی‌دار بین این متغیرهاست. باتوجه به ضرایب همبستگی پیرسون، با افزایش میزان پیوند اجتماعی، از میزان تصور منفی از خود دانش‌آموزان و همچنین میزان معاشرت با همسالان نابهنجار کاسته می‌شود. همچنین، با افزایش میزان تصور منفی از خود در دانش‌آموزان مورد مطالعه، از یک طرف بر احتمال معاشرت آنان با همسالان نابهنجار بطور قابل ملاحظه‌ای افزوده شده و از طرف دیگر، میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار در این دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. براساس نتایج بدست آمده، معاشرت با همسالان نابهنجار امکان یادگیری رفتارهای نابهنجار را در بین هموعان خود فراهم ساخته و احتمال گرایش به چنین رفتارهایی را در آن‌ها افزایش می‌دهد.

جدول ۵- نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق

متغیرها	کل	پیوند اجتماعی				معاشرت با همسالان
		مؤلفه‌ها				
		وابستگی	تعهد	اعتقاد	مشارکت	
گرایش به رفتارهای نابهنجار	-۰/۵۳۷	-۰/۵۲۱	-۰/۵۴۹	-۰/۴۶۵	۰/۰۲۱ <sup>ns</sup>	۰/۴۷۴
معاشرت با همسالان ناباب	-۰/۱۴۸*	-۰/۱۲۵*	-۰/۱۷۳*	-۰/۱۸۸*	۰/۰۲۸ <sup>ns</sup>	۰/۳۸۶
تصور منفی از خود	-۰/۵۱۰	-۰/۵۱۴	-۰/۴۳۵	-۰/۳۴۳	-۰/۱۴۰*	-

<sup>ns</sup> عدم معنی داری، \* معنی داری در سطح  $p < 0/05$  (با احتمال ۹۵٪ اطمینان)، و بقیه روابط در

سطح معنی داری  $p < 0/01$  (با احتمال ۹۹٪ اطمینان)

**رگرسیون چند متغیری:** هدف از بکارگیری رگرسیون چند متغیری این است که تغییرات واریانس متغیر ملاک (وابسته) توسط متغیرهای پیش‌بین بدست آید. به منظور بررسی تأثیر همزمان متغیرهای پیش‌بین (مستقل) بر متغیر ملاک (میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار)، متغیرهای وابستگی، تعهد، اعتقاد، مشارکت، تصور منفی از خود و معاشرت با همسالان نابهنجار به عنوان متغیرهای پیش‌بین و متغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار به عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون خطی روش گام به گام وارد شده‌اند. باتوجه به کمیت F و سطح معنی داری، از ۶ متغیر وارد شده در مدل رگرسیون، همه متغیرها در سطح معنی داری ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنی دار شده‌اند. ضریب همبستگی رگرسیون چندگانه ( $R=0/701$ )، نشان از همبستگی قوی بین متغیرهای موجود در معادله



## پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای نابهنجار ... ۲۰۱

رگرسیون دارد. باتوجه به بتاهای بدست آمده، متغیر تعهد اجتماعی بیشترین همبستگی منفی را با متغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان داشته و به تنهایی ۳۰٪ از تغییرات میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار را تبیین می‌کند. متغیر بعدی که بیشترین رابطه مثبت را با گرایش به رفتارهای نابهنجار داشته است، متغیر معاشرت با همسالان ناهنجار است که ۱۰٪ از تغییرات متغیر ملاک را تبیین می‌کند. براساس مقادیر بتای استاندارد، متغیرهای وابستگی، اعتقاد، مشارکت و تصور منفی از خود به ترتیب در مراتب بعدی قرار گرفته‌اند. برخلاف فرض موجود، رابطه بین مشارکت اجتماعی و گرایش به رفتارهای نابهنجار یک رابطه مثبت است. به عبارت دیگر، با افزایش میزان مشارکت اجتماعی بر میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار افزوده می‌شود. معمولاً دانش‌آموزانی که مشارکت‌جو هستند بیشتر از دیگر هم‌تایان خود در گروه‌های داوطلبانه اعم از عضویت در تیم ورزشی و شرکت در فعالیت‌های دسته‌جمعی و غیره شرکت می‌کنند. هرچند در چنین گروه‌هایی امکان انتقال ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب وجود دارد، اما دانش‌آموزان فعال بدلیل حس کنجکاوی بیشتری که دارند ممکن است دچار تضاد نقش شوند. چون عضویت در چنین گروه‌هایی به احتمال زیاد، دانش‌آموزان را از اهداف اصلی مشارکت دور می‌سازد. بطور کلی، ضریب تعیین تصحیح شده نشان می‌دهد که حدود ۴۸ درصد از تغییرات میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار، توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود.

جدول ۶- تحلیل رگرسیون چند متغیری متغیرهای پیش‌بین (مستقل) بر متغیر ملاک (وابسته)

متغیرهای پیش‌بین	مدل ۱		مدل ۲		مدل ۳		مدل ۴		مدل ۵		مدل ۶	
	B	β	B	β	B	β	B	β	B	β	B	
مقدار ثابت	۹۴/۳۶	-	۷۶/۷۶	-	۸۰/۵۲	-	۸۲/۷۳	-	۸۱/۸۰	-	۷۴/۳۲	-
تعهد اجتماعی	-۱/۸۹	-۰/۵۴۹	-۱/۷۰	-۰/۴۹۴	-۱/۰۹	-۰/۳۱۹	-۱/۰۴	-۰/۳۰۲	-۱/۰۴	-۰/۳۱۵	-۰/۹۹۷	-۰/۲۸۹
معاشرت با همسالان			۰/۷۴۴	۰/۳۲۱	۰/۷۳۲	۰/۳۱۶	۰/۶۹۱	۰/۲۰۸	۰/۶۶۹	۰/۲۹۱	۰/۵۹۰	۰/۲۵۵
وابستگی اجتماعی					-۰/۲۹۱	-۰/۲۸۴	-۰/۲۰۸	-۰/۲۰۳	-۰/۲۵۰	-۰/۲۴۴	-۰/۲۰۷	-۰/۲۰۲
اعتقاد اجتماعی							-۰/۴۰۵	-۰/۱۶۲*	-۰/۴۰۷	-۰/۱۶۳*	-۰/۴۰۷	-۰/۱۶۳*
مشارکت اجتماعی									۰/۳۵۲	۰/۱۳۵*	۰/۳۵۳	۰/۱۳۵*
تصور منفی از خود											۰/۱۹۲	۰/۱۰۹*
ضریب همبستگی (R)	۰/۵۴۹	۰/۶۳۴	۰/۶۷۲	۰/۶۸۴	۰/۶۷۲	۰/۶۸۴	۰/۶۹۶	۰/۷۰۱				
ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )	۰/۳۰۲	۰/۴۰۲	۰/۴۵۱	۰/۴۶۸	۰/۴۵۱	۰/۴۶۸	۰/۴۸۵	۰/۴۹۲				
R تصحیح شده	۰/۲۹۹	۰/۳۹۷	۰/۴۴۵	۰/۴۶۱	۰/۴۴۵	۰/۴۶۱	۰/۴۷۶	۰/۴۸۱				
ضریب F	۱۲۶/۶۲	۹۷/۹۸	۷۹/۷۲	۶۳/۸۱	۷۹/۷۲	۶۳/۸۱	۵۴/۳۳	۴۶/۴۶				

\* معنی‌داری در سطح  $p < ۰/۰۵$  (با احتمال ۹۵٪ اطمینان)، بقیه روابط در سطح معنی‌داری  $p < ۰/۰۱$  (با احتمال ۹۹٪ اطمینان).

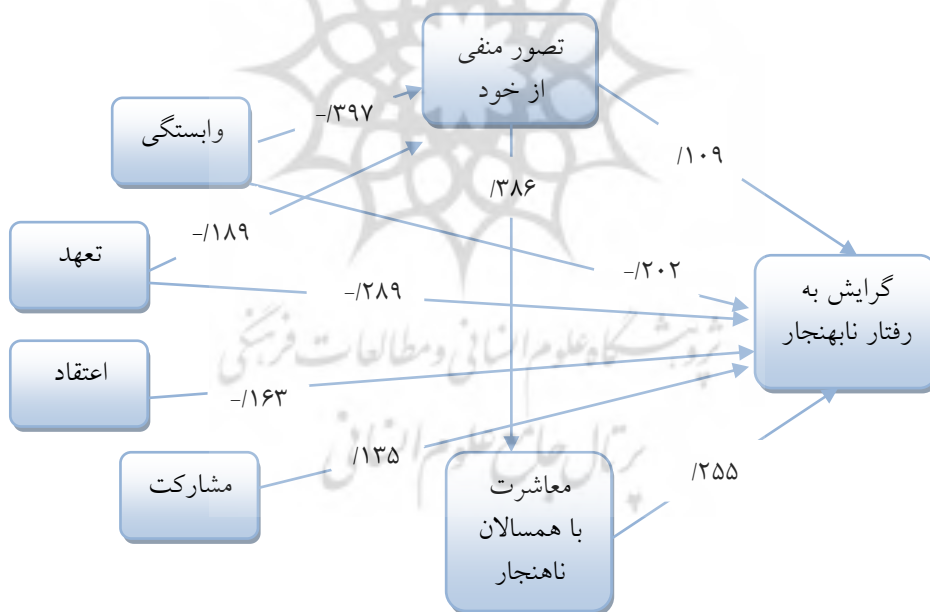
باتوجه به مقادیر B، معادله رگرسیون متغیرهای تأثیرگذار بر میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار را می‌توان به شرح ذیل نوشت:

$$\text{میزان تعهد اجتماعی} = ۷۴/۳۲ - ۰/۹۹۷ (\text{میزان تعهد اجتماعی}) + ۰/۵۹۰ (\text{میزان وابستگی اجتماعی}) - ۰/۲۰۷ (\text{میزان معاشرت با همسالان ناهنجار}) + ۰/۳۵۳ (\text{میزان مشارکت اجتماعی}) + ۰/۳۵۳ (\text{میزان اعتقاد اجتماعی}) - ۰/۴۰۷ (\text{میزان تصور منفی از خود}) + ۰/۱۹۲$$

**برازش مدل تحلیلی:** باتوجه به روابط مطرح شده در مدل تحلیلی، می‌توان سه نوع رگرسیون اعمال نمود. چون غیر از متغیر وابسته اصلی، دو متغیر وابسته میانی (تصور منفی از خود و معاشرت با همسالان نابهنجار) وجود دارد. بنابراین برای هر یک

پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای نابهنجار ... ۲۰۳

از این متغیرهای وابسته، رگرسیون چندمتغیری بطور جداگانه اعمال شده است. جهت پیوند دادن محاسبات مختلف رگرسیون (نحوه تأثیرگذاری متغیر پیوند اجتماعی بر گرایش به رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان) و برآزش مدل تحلیلی پژوهش، از تکنیک تحلیل مسیر استفاده شده است. بنابراین سه مرحله برای تحلیل مسیر در نظر گرفته شده است. در مرحله اول متغیر گرایش به رفتارهای نابهنجار، در مرحله دوم متغیر معاشرت با همسالان نابهنجار و در مرحله سوم متغیر تصور منفی از خود به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده‌اند و با متغیرهای پیش‌بین مورد آزمون قرار گرفته‌اند. نمودار شماره ۲، نمایی کلی از مسیرهای تأثیرگذاری (مستقیم و غیرمستقیم) متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک اصلی را نشان می‌دهد. از مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم مسیرهای مشخص شده، اثرات کلی بدست می‌آید و با مقایسه اثرات کلی آن‌ها، می‌توان مهم‌ترین متغیرها را شناسایی کرد.



نمودار ۲- مسیرهای تأثیرگذاری متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک اصلی (گرایش به رفتارهای نابهنجار)

طبق نتایج بدست آمده، مؤثرترین متغیرها بر میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار به ترتیب عبارت‌اند از: متغیرهای تعهد اجتماعی با اثر کلی  $-۰/۳۳۸$ ، متغیر وابستگی اجتماعی با اثر کلی  $-۰/۲۷۴$ ، متغیر معاشرت با همسالان نابهنجار با اثر کلی  $+۰/۲۵۵$ ، تصور منفی از خود با اثر کلی  $+۰/۲۰۵$ ، متغیر اعتقاد اجتماعی با اثر کلی  $-۰/۱۶۳$  و مشارکت اجتماعی با اثر کلی  $+۰/۱۳۵$ .

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر انجام گرفته است. طبق نتایج بدست آمده، میزان پیوند اجتماعی در دانش‌آموزان مورد مطالعه بالا بوده و در مقابل، بیشتر آن‌ها گرایش نسبتاً کمتری به انجام رفتارهای نابهنجار داشته‌اند. مطابق با نتایج برآمده از تحلیل دو متغیره، بین پیوند اجتماعی کل و سه مؤلفه آن (وابستگی، تعهد و اعتقاد) با گرایش به رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان رابطه آماری معنی‌داری ملاحظه شده است. همچنین تحلیل رگرسیونی، نشان دهنده وجود رابطه آماری معنی‌دار بین متغیرهای تعهد، وابستگی و اعتقاد با گرایش به رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان می‌باشد. تئوری پیوند اجتماعی هیرشی براین فرض استوار است که ضعف پیوند اجتماعی منجر به افزایش انحرافات اجتماعی و بزهکاری می‌گردد. هیرشی معتقد است، بزهکاران به احتمال بسیار، کمی تعلقات خاطر نزدیکی نسبت به والدینشان دارند و دانش‌آموزانی که تعلقات خاطر بالایی نسبت به مدرسه دارند احتمال کمتری می‌رود که به رفتار بزهکارانه مبادرت ورزند. احساس دل‌بستگی و پیوستگی به جامعه، تعهد اجتماعی افراد را بالا می‌برد و فرد احساس تعلق و تعهد بیشتری به جامعه اطراف خود می‌کند. بنابراین عناصر دوگانه وابستگی اجتماعی (وابستگی به مدرسه و خانواده) اثر کاهنده‌ای بر میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار دارند. پس با این تفسیر می‌توان انتظار داشت که اگر سطح شاخص‌های ارتباط با خانواده و مدرسه افزایش یابد، از میزان گرایش به

پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای نابهنجار ... ۲۰۵

چنین رفتارهایی بطور قابل ملاحظه‌ای کاسته می‌شود. از این‌رو اگر افراد بتوانند از طریق افزایش میزان تعلقات، وابستگی، تعهدات، باور و میزان مشغولیت در فعالیت‌های اجتماعی سالم، پیوند اجتماعی و حس مسئولیت‌پذیری خود را تقویت کنند به همان اندازه از احتمال ابتلاء به انحرافات اجتماعی مصون هستند. یافته‌های برخی از مطالعات پیشین داخلی (مهدوی و عباسی، ۱۳۸۷؛ آقازاده، ۱۳۸۹؛ علی‌وردی‌نیا و آرمان‌مهر، ۱۳۸۶؛ جلالی‌پور و حسینی‌نثار، ۱۳۸۷) و خارجی (جنکینز، ۱۹۹۷؛ پوپ و آنتونی، ۲۰۱۲؛ هینگ و وینگ، ۲۰۱۳) نشان دهنده آن است که متغیرهای پیوند اجتماعی کل و سه مؤلفه آن با عناوین وابستگی به مدرسه، تعهد و تعلق به خانواده، اعتقاد و باور اجتماعی، رابطه منفی معنی‌داری با میزان ناهنجاری‌های رفتاری و بزهکاری دانش‌آموزان و نوجوانان دارند. بنابراین نتایج تحقیق حاضر، با یافته‌های مطالعات یادشده همخوانی دارد. باتوجه به این که خانواده و مدرسه به عنوان مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، نقش مهمی در فرایند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان دارند، آموزش و آگاهی بخشی والدین و معلمان، بر نحوه برقراری روابط عاطفی با نوجوانان قابل توجه است. چون پدر و مادر به عنوان نزدیک‌ترین افراد به فرزندان و به عنوان بهترین مشاور و الگو می‌توانند آن‌ها را برای مواجهه با بسیاری از مشکلات دوران نوجوانی آماده سازند. از طرف دیگر، دانش‌آموزانی که در محیط مدرسه و کلاس درس ارتباط صمیمی با معلم خود دارند، احتمال کمتری می‌رود که به سوی انجام رفتارهای نابهنجار کشیده شوند. بنابراین لازم است معلمان در برخورد با دانش‌آموزان روش‌های صحیحی را بکار گیرند تا بتوانند اعتماد آن‌ها را جلب نمایند.

مشغولیت یا مشارکت به عنوان یکی دیگر از عناصر پیوند اجتماعی است. مشغولیت بر این پیش‌فرض استوار است که درگیری و میزان مشارکت در فعالیت‌های سالم و مورد قبول جامعه باعث می‌شود که افراد اوقات فراغت کمتری برای رفتن به سوی رفتارهای کج‌رو داشته باشند. مشارکت در تیم‌های ورزشی مدارس، شرکت در فعالیت‌های هنری و ورزشی نمونه‌ای از این فعالیت‌ها هستند. ولی نتایج تحقیق حاضر

مبین این نکته است که رابطه بین مشارکت اجتماعی و گرایش به رفتارهای نابهنجار مثبت است. هرچند نتیجه بدست آمده بر خلاف فرض مورد نظر و نظریه‌های مطرح شده است ولی با نتایج برخی از یافته‌های مطالعات قبلی همخوانی دارد. یافته‌های پژوهشی علی‌وردی‌نیا و آرمان‌مهر (۱۳۸۶) نشان داده است که بین میزان مشغولیت ورزشی و میزان بزهکاری دانش‌آموزان رابطه مثبت وجود دارد. بطوری که با افزایش میزان مشغولیت ورزشی، بزهکاری افزایش و با کاهش آن بزهکاری کاهش یافته است. همچنین تحقیق بگ و همکارانش (۱۹۹۶) که در آن با رویکرد معاشرت افتراقی به تبیین رابطه ورزش و افزایش بزهکاری پرداخته‌اند، به این نتیجه رسیده است که محیط‌ها و اماکن ورزشی امکان ارتباط با شبکه افراد بزهکار را فراهم می‌کند. از طرف دیگر، رایت و فتیز پاتریک (۲۰۰۶) در تحقیقشان یادآور شده‌اند که اگرچه فرض بر این است که ورزش بیشتر و حضور در باشگاه‌های ورزشی گرایش به سوی خشونت را می‌کاهد، اما نتایج خلاف این فرض را نشان می‌دهد. می‌توان اینطور استنباط نمود که دانش‌آموزان مشارکت‌جو در درجه اول سعی می‌کنند در گروه‌های ورزشی و تیمی عضو شوند. چنین دانش‌آموزانی از یک طرف به علت حس کنجکاوی که دارند بیشتر از بقیه مستعد انجام رفتارهای نابهنجار هستند. از طرف دیگر چون تیم‌ها و گروه‌های ورزشی، تفریحی و هنری مدارس مکان‌هایی هستند که دانش‌آموزان با همسالان خود ارتباط مستمر دارند. مسلماً در چنین گروه‌هایی احتمال وجود دانش‌آموزان نابهنجار هم بیشتر است. بنابراین همنشینی و هم صحبت شدن با همسالان نابهنجار، میزان یادگیری رفتارهای نابهنجار را در بین اعضای گروه افزایش داده و بر رفتارهای انحرافی آن‌ها می‌افزاید.

باتوجه به نتایج برآمده از روابط دو متغیره و چند متغیره، رابطه بین میزان معاشرت با همسالان نابهنجار و میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار معنی‌دار بوده و این معنی‌داری با شدت متوسط و جهت معکوس برقرار است. طبق تئوری پیوند افتراقی ساترلند، میزان یادگیری رفتارهای نابهنجار در گروه همسالان بیشتر است. چنانچه میزان

پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای نابهنجار ... ۲۰۷

معاشرت با همسالان نابهنجار در دانش‌آموزان بیشتر باشد به همان اندازه احتمال بروز رفتارهای نابهنجار در آن‌ها افزایش خواهد یافت. از نظر ساترلند، بخش اعظم رفتار بزهکارانه، از طریق ارتباط فرد با گروه‌های نخستین همچون همسالان که با فرد روابط صمیمانه دارند انجام می‌گیرد. نوع دوستی، کمیت و کیفیت ارتباط بین همسالان، بر نحوه عملکرد و رفتار آنان تأثیر می‌گذارد. براین اساس، میزان معاشرت با همسالان و دوستانی که به هر نحوی رفتارهای نابهنجار از خود نشان می‌دهند با میزان یادگیری رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان دیگر در ارتباط است. پس می‌توان بروز چنین رفتارهایی را نتیجه معاشرت با همسالان و دوستان نابهنجار دانست. یافته‌های بدست آمده با نتایج برخی از مطالعات پیشین (حیدری چروده، ۱۳۸۳ و آقازاده، ۱۳۸۹) همسو است. نتایج این تحقیقات، بیانگر وجود رابطه مثبت و معناداری بین معاشرت با دوستان بزهکار و رفتار بزهکارانه نوجوانان است. بنابراین نوع دوستان، میزان معاشرت و کیفیت تعامل آن‌ها با همدیگر بایستی توسط خانواده و مدرسه کنترل شود. از اینرو، نظارت و نحوه عملکرد والدین در خانواده و نحوه کنترل مدیران و معلمان در مدارس، بر نحوه سپری نمودن اوقات فراغت دانش‌آموزان مهم است. چون بیشتر دانش‌آموزان رفتارهای نابهنجار را در زمانی که بیشترین اوقات را با هم می‌گذرانند یاد می‌گیرند.

یکی دیگر از نتایج تحقیق، وجود رابطه معنی‌دار بین متغیرهای تصور منفی از خود و گرایش به رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان است. از نظر گات فردسون و هیرشی دو نوع محدودکننده درونی و بیرونی، رفتار افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. آن‌ها معتقدند که تفاوت در نظارت‌های درونی بر پاسخ فرد به محرک‌های بیرونی تأثیر می‌گذارند. از جمله این عوامل "پنداشت از خود مثبت" به لحاظ احساس خودارزشمندی و پنداشت از خود به عنوان یک دانش‌آموز موفق است که هر دوی آن‌ها رابطه معکوس با نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان را نشان داده‌اند. نتایج حاصل از تحقیق حاضر، با یافته‌های پژوهشی سخاوت (۱۳۸۱)، با عنوان "عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان" و نیز با نتایج مطالعه حیدری چروده

(۱۳۸۳)، با عنوان "بررسی میزان و علل نابهنجاری‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی استان خراسان" مطابقت دارد. در مطالعات یادشده، متغیر پنداشت دانش‌آموزان از خود و خانواده، خودپنداره و تصویر اجتماعی مثبت دانش‌آموزان از خود، تأثیر کاهنده‌ای بر کج‌روی درون مدرسه‌ای داشته و در ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان در بیرون از مدرسه از اهمیت بیشتری برخوردار است. خودپنداره از مؤلفه‌های توانایی درونی است که زمینه را فراهم می‌سازد تا فرد خودش را به عنوان فردی مسئول درک کرده و مسئولانه عمل کند و در نتیجه مرتکب رفتار انحرافی نشود. تأثیر خودپنداره منفی بر بزهکاری جوانان در تحقیقات تجربی (احمدی، ۱۳۸۲) به اثبات رسیده است. مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر متغیر تصور منفی از خود متغیر پیوند اجتماعی است.

از دیگر نتایج تحقیق، وجود رابطه معنی‌دار بین متغیرهای پیوند اجتماعی و تصور منفی از خود و تصور منفی از خود با معاشرت با همسالان ناهنجار است. هویت‌یابی و خودپنداره منفی معمولاً در خانواده‌هایی که روابط بین اعضای آن از صمیمیت کمتری برخوردار است، بیشتر مشاهده می‌شود. ضعف تعهد و پیوستگی به خانواده و مدرسه باعث می‌شود که دانش‌آموزان دچار خود کم‌بینی و پنداشت منفی از خود باشند. از نظر گات فردسون و هیرشی، شکل‌گیری این نوع پنداشت‌ها در دوران کودکی آغاز می‌شود و به شیوه‌های تربیتی والدین و مسئولان مدارس بستگی دارد. فرزندان متعلق به چنین خانواده‌هایی ترجیح می‌دهند بیشترین اوقات خود را با همسالانی بگذرانند که از طرف آن‌ها مورد احترام و پذیرش قرار می‌گیرند. همفکر و هم عقیده بودن نوجوانان و جوانان در بسیاری از موارد باعث می‌شود که آنان بهتر همدیگر را درک کرده و احساس همدردی کنند. در این بین کسانی که دارای خود ارزشمندی ضعیف هستند و تصورات منفی‌تری از خود دارند، گروه دوستان و همسالان را بهترین پناهگاه برای خود می‌دانند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که خانواده‌ها با پراهمیت جلوه دادن حضور فرزندان‌شان در خانواده و همگام شدن با آن‌ها سعی کنند احساس سودمندی را در



پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای نابهنجار ... ۲۰۹

فرزندانشان پرورش دهند. همچنین تعامل والدین و معلمان می‌تواند در بالابردن احساس خودارزشمندی دانش‌آموزان مؤثر باشد.

طبق نتایج بدست آمده، رابطه بین میزان پیوند اجتماعی و میزان معاشرت با همسالان نابهنجار از لحاظ آماری معنی‌دار است. ایده اصلی تورن‌بری این است که پیوندهای ضعیف موجب می‌شود که بچه‌ها دوستی‌شان را به همسالان منحرف و بزهکار گسترش داده و درگیر بزهکاری شوند. همچنین بزهکاری موجب ضعیف شدن پیوندها گشته و بعداً پیوندهای قراردادی آن‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد. بر اساس این دیدگاه ترکیبی، از یک سو متغیرهای پیوند اجتماعی شامل وابستگی به والدین، تعهد و تعلق به مدرسه و پایبندی به ارزش‌های قراردادی، تبیین‌کننده رفتارهای نابهنجار افراد هستند و از طرف دیگر همبستگی با دوستان بزهکار و شکل‌گیری ارزش‌های بزهکارانه بر انجام کج‌روی و بزهکاری صحه می‌گذارد. نتایج تحقیق حاضر با یافته‌های پژوهشی معیدفر و اسفندآبادی (۱۳۹۱) همخوانی دارد. ایشان در تحقیقشان به این نتیجه رسیده‌اند که تأثیر تعلق فرد به جامعه و مدرسه بر گرایش فرد به دوستان و همسالان منحرف است. بر اساس این فرضیه، هر چه پیوند فرد با مدرسه کمتر باشد، گرایش او به دوستان و همسالان منحرف افزایش خواهد یافت.

در پایان باتوجه به این که، رابطه پیوند اجتماعی به عنوان یکی از مقوله‌های کنترل با رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان دختر مورد بررسی قرار گرفته است، لذا پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- انواع مقوله‌های کنترل (مستقیم، غیرمستقیم و کنترل درونی) با گرایش به رفتارهای نابهنجار و بزهکاری، روی دانش‌آموزان دختر و پسر مورد بررسی قرار گرفته و مهم‌ترین مقوله‌ها شناسایی گردد.

- همچنین بهتر است میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار در بین دانش‌آموزان دختر و پسر و در مقاطع تحصیلی مختلف مورد مقایسه قرار گیرد.

جهت بررسی عمیق‌تر موضوع پیشنهاد می‌گردد که محققان با بکارگیری تحلیل چندسطحی و با استفاده از مدل‌سازی چندسطحی، علاوه بر امکان شناخت تأثیر هر کدام از عوامل فردی و زمینه‌ای بر میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار، بزهکاری و کج‌رفتاری دانش‌آموزان و نوجوانان، تأثیرپذیری متغیرهای فردی از ساختارها را هم مورد مطالعه قرار دهند.

### منابع

- آقازاده، غلامحسین. (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل خانوادگی و درون مدرسه‌ای مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر مراغه»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، تهران: دانشگاه پیام نور مرکز.
- احمدی، حبیب. (۱۳۸۲)، **جامعه‌شناسی انحرافات**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، نشر سمت.
- جلایی‌پور، حمیدرضا؛ مجید حسینی‌نثار. (۱۳۸۷)، «عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان در رشت»، **پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی**. (ویژه نامه پژوهش‌های اجتماعی)، شماره ۲.
- حیدری چروده. (۱۳۸۳)، «بررسی میزان و علل نابهنجاری‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی استان خراسان»، **مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد**، سال اول، شماره اول.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۲)، **سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی**، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- زلفعلی فام، جعفر. (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه پیوند اجتماعی با کج‌روی اجتماعی در بین دانشجویان بومی و غیربومی»، **طرح پژوهشی**، دانشگاه پیام نور تبریز.

پیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای ناپهنجار ... ۲۱۱

- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۷۸)، *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: انتشارات آوای نور.

- سرور، رحیم؛ رشیدی، اصغر؛ ابراهیم حساری. (۱۳۹۱)، «سنجش میزان توسعه‌یافتگی ساختارهای اجتماعی - اقتصادی شهرهای استان آذربایجان شرقی»، *جغرافیا. (فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)*، سال ۱۰، شماره ۳۵.

- سخاوت، جعفر. (۱۳۸۱)، «بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، سال چهارم، شماره ۲.

- سخاوت، جعفر. (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

- سلیمی، علی؛ محمد داوری. (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی کج‌روی*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول.

- شاطریان، محسن؛ اسمی جوشقانی، زهرا؛ فهیمه نوریان آرانی. (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان، مطالعه موردی شهرستان آران و بیدگل»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال پنجم، شماره سوم.

- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۶)، *آسیب‌شناسی اجتماعی (انحرافات اجتماعی)*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.

- طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۰)، *دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز*، تهران: نشر مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.

- عباسی اسفجیر، علی اصغر. (۱۳۸۶)، «بزهکاری نوجوانان و عوامل شناختی مؤثر به آن بررسی در بین نوجوانان ۱۳-۱۹ ساله شهرهای بهشهر، بابل و نوشهر، *پایان‌نامه دکترا*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

- علی وردی‌نیا، اکبر؛ وجیهه آرمان‌مهر. (۱۳۸۶)، «فعالیت‌های ورزشی و بزهکاری: آزمون تجربی نظریه پیوند اجتماعی هیرشی»، *نشریه علوم حرکتی و ورزش*، شماره ششم، شماره ۱۲.
- فتح‌اللهی، سعید؛ جربانی، حمید؛ حسنونند، عباس؛ احسان حسنونند. (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل مؤثر بر بزهکاری و میزان شیوع آن در بین دانش‌آموزان»، *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، سال هفتم، شماره سوم.
- کوراکیوس، ویلیام. (۱۳۷۶)، *بزهکاری نوجوانان*، ترجمه نجفی زند، تهران: نشر کتاب کودک.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ بیست و ششم.
- محمودی، مجید. (۱۳۸۷)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان خدابنده، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱)، *انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- مشکاتی، محمدرضا؛ زهراسادات مشکاتی. (۱۳۸۱)، «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده در بزهکاری نوجوانان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره ۲.
- معیدفر، سعید؛ حسن مقیمی اسفندآبادی. (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل آموزشگاهی و تأثیر آن بر کج‌رفتاری»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و سوم، شماره ۲.
- مهدوی، محمدصادق؛ علی اصغر عباسی اسفجیر. (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه بین پیوندهای اجتماعی - خانوادگی و میزان بزهکاری نوجوانان»، *فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی*، سال اول، شماره اول.

بیوند اجتماعی و گرایش به رفتارهای ناپهنجار ... ۲۱۳

- نوابخش، مهرداد؛ مریم واحدی. (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده برناهنجاری های رفتاری دانش آموزان»، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره ۴.

- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰)، نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن.

- Akers, R. L., & Cochran, J. K. (1985). "Adolescent marijuana use: A test of three theories of deviant behavior". *Deviant Behavior*, V. 6, Issue 4. PP: 323-346.
- Bergman, M. M. Scott, J. (2000). Young Adolescents well-being and Health ° risk Behaviors: Gender and socioeconomic Differences, *Journal of Adolescence*, N. 24, PP: 183-197.
- Booth, Jeb A, Amy Farrell and Sean P. Varano. (2008). *Social Control, Serious Delinquency, and Risky Behavior: A Genderd Analysis*, Crime & Delinquency, Originally Published online 26 February, Sage publication.
- Begg, D. i., Longley, J. D., Moffitt, T., Marshall, S. W, (1996). Sport and Delinquency and examination of the deterrence hypothesis in longitudinal study, *British Journal of sport Medicine*, V. 30, N. 4, PP: 335-341.
- Farrell, M. P. & Barnes, G. M. (1993). Family Systems and social support: A test of the effects of cohesion and edaptability on the functioning of parents and edolescents, *Journal of Marriage and the Family*, V. 55, pp: 119-132.
- Gottfredson, M., & Hirschi, T. (1990). *A general theory of crime*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Herrenkohl, T. I; Huang, B. and Kosterman, R. (2001). A Comparison of Social development Processes Leading to violence behavior in late Adolescence of Childhood Initiators of Violence

- Heng, C.O. C, Wing, H. C. (2013). Social Bonds and School Bullying: A Study of Macanese Male Adolescents on Bullying Perpetration and Peer Victimization, Child & Youth Care Forum, *Journal of Reaserch and Practice in Children,s Services*, V. 42, N. 6, pp: 599-613.
- Jang J. S. & Therence. T. (1998). "Self Esteen- Dliqunci Peer & Delinquency", *American Social Logical Reviwe* 631, (August: 586-589).
- Jenkins, P. (1997). Schob delinquency and the school social bond. *Journal of Research in Crime and Delinquency*,V. 34, PP: 337-367.
- Leiber, Michael J., Kristin Y. Mack and Richard A. Featherston. (2008). *Family Structure, Family Processes*. Economic Factor and Delinquency: Similarities and Defferences by Race and Ethnicity, Sage publication.
- Mennis, J & Mason, M.j. (2012). Social and geographic contexts of adolescent substance use: The moderating effects of age and gender , *Social Networks*., N. 35, pp: 150-157.
- Siegel, I. J. (2001). *Criminology: Theories, Patterns and Typologies*, U.S. A.: Wadsorth.
- Parent, C.J & Wall, A.L. (1984). Are Physical Activity, Self Esteen and Depression Related? *Jurnal of Gerotionologica Nursing*, V. 10, N. 9, PP: 8-11.
- Popp. A. M, & Peguero, A. (2012). Social Bonds and the Role of School-Based Victimization *Published online*, V. 27, N. 17, pp: 3366-3388.